

## حملات پهپادی و تحولات جنگ در سودان

سؤال: در روزهای اخیر تحولی چشمگیر در جنگ رخ داده است، به طوری که پهپادها شهر پورتسودان، پایتخت اداری را به مدت شش روز متوالی هدف قرار دادند و فرودگاه غیرنظامی، یک پایگاه هوایی و انبارهای سوخت را بمباران کردند که باعث بحران سوخت در سراسر سودان شد. پهپادها همچنین شهر کسلا در مرز با اریتره در شرق و شهرهای دیگری را مورد حمله قرار دادند. همه این‌ها نیروهای ارتش را که به سمت الفاشر در حرکت بودند واداشت تا بازگردند و مجدداً بر حفاظت از شرق سودان تمرکز کنند، همان‌طور که بی‌بی‌سی در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۱۰ گزارش داد. آیا این بدان معناست که هدف حمله به شرق سودان دور کردن ارتش از دارفور است تا منطقه برای نیروهای واکنش سریع خالی بماند؟ آیا این تحولات مقدمه‌ای برای اجلاس جده جهت مذاکره خواهد بود یا اهداف دیگری در کار است؟ با تشکر.

جواب: برای آشکار شدن انگیزه حملات پهپادها به اهداف حیاتی در شرق سودان، موارد زیر را توضیح می‌دهیم:

اول: تحولات پیش از حملات گسترده به شرق سودان و به‌ویژه پورتسودان:

1- ارتش سودان موفقیت‌های چشمگیری در اخراج نیروهای واکنش سریع از شهرهای مهم میانی مانند خارطوم، بحری و آمدرمان به دست آورده است. این پیروزی بزرگ روحیه ارتش را بالا برد و آن را برای تعقیب نیروهای واکنش سریع در دارفور آماده کرد. این روند فرماندهان را مجبور به انطباق با واقعیت جدید تحت فشار مردم و افسران رده پایین ارتش، یعنی کسانی که از محرک‌های خارجی مطلع نیستند، کرد. (عبدالفتاح البرهان، رئیس شورای حاکمیت سودان، روز پنجشنبه اعلام کرد که ارتش عزم خود را برای آزادسازی کشور از «اجیرها، عوامل و ریشه‌کن کردن واکنش سریع» جزم کرده است. خبرگزاری آناتولی، ۲۰۲۵/۳/۱۳) این اظهارنظر در راستای انطباق با واقعیت جدید بیان شد و از آنجاکه این واقعیت تأثیر زیادی بر مردم و درون ارتش گذاشته بود، بخش‌هایی از ارتش با نیروهای واکنش سریع در برخی مناطق دارفور درگیر شدند. نیروهای ارتش در دفاع از شهر الفاشر که تنها از پایتخت‌های پنج‌گانه دارفور است که هنوز تحت کنترل ارتش باقی مانده، استقامت کردند و سپس ارتش سودان به سمت دارفور پیشروی کرد.

(آخرین تحولات میدانی نشان می‌دهد که پیشروی‌های عظیمی از ارتش و نیروی مشترک از شهر الدبۀ (شمال کشور) برای شکستن محاصره شهر الفاشر انجام شده است؛ درحالی‌که نیروهای دیگری تابع همان نهادها در ایالات کردفان گشوده شدند و در مسیر پیشروی خود به سوی شهر از محور دیگری پیروزی‌های قابل توجهی کسب کردند. القدس العربی، 2025/4/19). این روند که پس از پیروزی‌های الخرطوم با حمایت چشمگیر مردم همراه شده و بازتاب قوی‌ای در داخل ارتش یافته، جهت‌گیری آمریکا نیست؛ بنابراین البرهان کوشید این گرایش را محدود کند: (البرهان نسبت به کارزارهای گمراه‌کننده‌ای هشدار داد که ایده هدف قرار دادن اقوام خاص را ترویج می‌کنند و تأکید کرد که «جنگ ما علیه هر کسی است که علیه دولت سلاح به دست گرفته است و علیه هیچ قبیله‌ای نیست» و بیان کرد که این شایعات با هدف «تحریک مردم و کشاندن آنها به قتل» منتشر می‌شوند. او همچنین توضیح داد که «شورش رئیس یک قبیله به معنای شورش تمام آن قبیله نیست». آر تی، 2025/4/29). گویی می‌خواست شتاب پیشروی ارتش به سوی دارفور را متوقف کند، چرا که برخی قبایل در آنجا گمان می‌کنند ارتش علیه آنان است و گویا خواهان احتیاط بود.

2- پس از شکست‌های تلخ نیروهای واکنش سریع در منطقه الوسط و از دست دادن مواضع اصلی خود در الخرطوم، بحری و آمدرمان و از دست دادن بسیاری از مبارزان و فرماندهان میدانی‌شان، این نیروها جامه‌ی ضعف و شکست را بر تن کردند و سپس به سوی دژ خود در دارفور متوجه شدند که پیش‌تر بخش اعظم آن را در اختیار داشتند و شهر الفاشر را محاصره کرده بودند. این تجمع نیروهای واکنش سریع در راستای سیاست‌های آمریکا نسبت به سودان صورت گرفت، طبیعی بود که برخی از حامیان‌شان از آنها فاصله بگیرند و جذب نیرو از قبایل هم‌پیمان دشوار شود، چرا که این قبایل در نبرد با ارتش قدرتمند سودان شکست خورده بودند؛ در نتیجه روحیه نیروهای واکنش سریع تضعیف شد و ارتش مستقر در الفاشر به راحتی حملات مکررشان را دفع کرد، زیرا حملات فاقد شتاب و انگیزه کافی بود؛ بنابراین لازم بود اقدامی بزرگ صورت گیرد

تا روحیه نیروهای حمیدتی بازگردد و دست طولانی و قدرت آنها را نشان دهد و اثبات کند که قادر به ضربه زدن و تهدید مناطق دوردست و امن ارتش سودان مانند شرق سودان است.

3- با وجود وابستگی حکام امارات به انگلیسی‌ها، امارات متحده عربی دست از حمایت مهره آمریکا و فرمانده نیروهای واکنش سریع، محمد حمدان دقلو (حمیدتی)، برنداشت به این امید که نفوذی بر او و پیروانش داشته باشد؛ کاری مشابه آنچه در لیبی با حمایت از مهره آمریکا خلیفه حفتر انجام می‌دهد. سودان بارها از امارات ابراز ناخشنودی کرده و آن را به ارائه کمک‌های نظامی گسترده به نیروهای واکنش سریع متهم کرده است و در پی این اتهامات امارات سفارت خود را در سودان بست و آن را به شهر پورتسودان انتقال داد، برخلاف سایر کشورهایی که پس از آغاز جنگ در الخرطوم در آوریل ۲۰۲۳ چنین کردند، اما سودان همچنان سفارت و کنسولگری خود را در امارات حفظ کرده است. در سایه این خشم و تشدید آن، سودان علیه امارات به دادگاه بین‌المللی عدالت شکایت برد مبنی بر مشارکت امارات در نسل‌کشی نیروهای واکنش سریع در سودان، اما دادگاه این درخواست سودان را رد کرد؛ (دادگاه روز دوشنبه اعلام کرد که نمی‌تواند به پرونده علیه امارات رسیدگی کند و درخواست سودان برای صدور دستور اقدامات فوری را رد و دستور حذف پرونده از دستور کار را صادر کرد. رویترز، 2025/5/6). سپس سودان اقدام دیگری علیه امارات انجام داد و روابط دیپلماتیک خود را با امارات متحده عربی قطع و سفارت و کنسولگری‌های سودانی را خارج کرد. سپس رویدادهای مرتبط با امارات ادامه یافت: (ارتش سودان روز یکشنبه از نابودی یک هواپیمای باری اماراتی حامل تدارکات نظامی برای نیروهای واکنش سریع خبر داد؛ گفته شد این هواپیما حامل کمک‌های نظامی، از جمله پهپادهای انتحاری و استراتژیک بود. سودان تریبون، 2025/5/4)

دوم: انگیزه‌های این تحولات و پیامدهای آن‌ها:

1- با تشدید درگیری‌ها در خارطوم از سال ۲۰۲۳، شورای حاکمیت مجبور شد به‌طور موقت پایتخت را به شهر پورتسودان به‌عنوان امن‌ترین منطقه منتقل کند و همراه با اعضای شورای حاکمیت، هیئت‌های دیپلماتیک خارجی و سازمان‌های بین‌المللی امداد رسان به آنجا نقل مکان کردند و بسیاری از ساکنانی که از منطقه الوسط گریخته بودند تا امنیت خود را تأمین کنند، آواره شدند. این منطقه ریه‌ای است که سودان در طول جنگ از آن تنفس کرد؛ زیرا بندری در آن قرار دارد که کالاهای وارداتی به سودان را تأمین می‌کند و تنها فرودگاه بین‌المللی فعال را در خود جای داده است، درحالی‌که فرودگاه خارطوم علی‌رغم تسلط ارتش تاکنون تعطیل مانده است. از آنجاکه این منطقه ریه سودان و مقر موقت دولت است، حملات مداوم پهپادها در روزهای متوالی به آن صدمه روحی بزرگی به مردم سودان و ارتش وارد کرد. این حملات نشان داد که نیروهای واکنش سریع نیرویی نیستند که برخی گمان می‌کردند شکسته شده باشد، بلکه دارای قابلیت‌های بزرگی هستند که پیش‌از این نشان نداده بودند و همچنین نشان داد که ارتش نباید خود را در صحرای دارفور پراکنده کند، بلکه باید این تأسیسات حیاتی مانند بندر، فرودگاه و انبارهای سوخت را تحکیم و محافظت نماید؛ علاوه بر این، آتش‌سوزی‌های گسترده انبارهای سوخت به ارتش القا می‌کند که خدمات لجستیکی لازم برای نبرد در دارفور آسیب‌دیده است، بنابراین باید با احتیاط عمل کرده و پیش از پیشروی به دارفور آنها را ترمیم کند.

2- حملاتی که به تأسیسات شهر پورتسودان و فرودگاه کسلا و بندر «فلامینگو» توسط پهپادهای سنگین چینی وارد آمد، مطابق تحلیل منابع متعدد از جمله بی‌بی‌سی در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۱۰، هر یک از این پهپادها ممکن است حامل ۴۰ کیلوگرم یا حتی ۲۰۰ کیلوگرم مواد منفجره و موشک‌های هدایت‌شونده باشد. نیروهای واکنش سریع پیش‌از این از چنین پهپادهایی استفاده نکرده بودند. مواردی شبیه به این پهپادها در فرودگاه نیالا که در کنترل نیروهای واکنش سریع است مشاهده شده است و همان فرودگاهی است که ارتش گزارش داده در آن هواپیمای باری اماراتی را نابود کرده است.

3- امارات متحده عربی از نخستین کشورهای منطقه بود که سال‌ها پیش به انواع مختلف و سنگین پهپادهای چینی مجهز شد؛ وبسایت Defence News در ۲۰۱۹/۵/۲ از استفاده امارات از این پهپادها برای حمایت از خلیفه حفتر در حملات به طرابلس لیبی خبر داد و وبسایت Times Aerospace نیز از استفاده امارات از پهپادهای چینی برای حمله به مواضع گروه‌های جهادی در عراق و افغانستان در سال ۲۰۱۴ گزارش کرد. این بدان معناست که امارات از سال‌ها پیش مجهز به انواع سنگین پهپادهای چینی بوده و محتمل است که پشت این حملات در

شرق سودان باشد، خواه به‌طور مستقیم از دریا یا از طریق تأمین این پهپادها برای نیروهای واکنش سریع، امارات است چراکه از برملا شدن حمایت خود توسط دولت البرهان در محاکم بین‌المللی و قطع روابط و نابودی هواپیمای باری‌اش خشمگین است.

4- تمرکز حملات بر فرودگاه‌ها، بندر و پایگاه دریایی «فلامینگو» بود و اغلب آتش‌سوزی‌هایی رخ می‌داد که مهار آن‌ها چند روز طول می‌کشید که نشان‌دهنده هدف قرار دادن مخازن نفتی است. وزیر انرژی و نفت سودان، محی‌الدین محمد نعیم، از سوختن پنج مخزن اصلی ذخیره نفت در نتیجه حملات پهپادی در روز اول کارزار خبر داد (صوت السودان، ۲۰۲۵/۵/۶) و به‌دلیل ادامه هدف قرار گرفتن تأسیسات انرژی، خود وزیر دستور داد خط لوله انتقال نفت جنوب سودان به‌علت بمباران ایستگاه پمپاژ این نفت در شرق عطبره تعطیل شود (الجزیره نت، ۲۰۲۵/۵/۱۱).

5- این هدف‌گیری عمدتاً معطوف به سوخت بود، یعنی محروم کردن ارتش سودان از آن تا نتواند عملیات بزرگ در دارفور و به‌ویژه شهر الفاشر را اجرا کند و نیز این حملات ضعف دولت را نشان داد، زیرا نمی‌توانست مقرهای خود را تأمین کند و سوخت و برق مورد نیاز کل سودان را فراهم نماید (شرکت برق سودان اعلام کرد «تأسیسات برق سودان بر اثر هدف قرار گرفتن با پهپاد آسیب دید و برق قطع شد»؛ آنا‌تولی، ۲۰۲۵/۵/۸).

6- از همه این‌ها آشکار می‌شود که حملات سنگین شرق سودان، به‌ویژه به تأسیسات راهبردی شهر پورتسودان، با جنگ در دارفور مرتبط است؛ هدف از آن اجبار ارتش به دور شدن از حمله به الفاشر و روی آوردن به دفاع از پورتسودان در شرق است. بی‌بی‌سی در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۱۰ گزارش داد نیروهای ارتش که به‌سوی الفاشر در حرکت بودند، مجبور شدند برای حفاظت از شرق سودان بازگردند.

### سوم: نتیجه‌گیری حاصل از این رویدادها

1- محتمل است که پس‌از این حملات سنگین، ارتش سودان از توانمندی‌های جدید نیروهای واکنش سریع وحشت کند و امکان دسترسی به سوخت لازم برای به‌کارگیری خودروهای خود در جنگ برنامه‌ریزی شده در الفاشر و سراسر دارفور را از دست بدهد؛ به‌علاوه نیاز به تحکیم شرق سودان به‌خاطر احتیاجات مالی موج‌های آتی حمله نیز وجود دارد و در نتیجه فشار ارتش بر دارفور کاهش و تمرکز آن به جبهه شرقی منتقل می‌شود.

2- از سوی نیروهای واکنش سریع، این نیروها شتاب بیشتری یافته و از نظر روحی در موقعیت بهتری برای کسب نتایج در الفاشر قرار خواهند گرفت و این امر همه با حمایت امارات متحده عربی و تأمین پهپادهای سنگین چینی صورت گرفته است.

3- انتظار می‌رود حملات به شهر الفاشر تشدید شود و یگان‌های ارتش که در مسیر یاری الفاشر بودند به عقب برگردند و شورای حاکمیت زمانی را برای ترمیم این خرابی‌ها در شرق سودان صرف کند. بعید است مذاکرات جده پیش از تسلط کامل نیروهای واکنش سریع بر الفاشر از سر گرفته شود یا این نیروها در آن وزن و اعتبار یابند؛ این امر در دارفور رخ می‌دهد و آنگاه آمریکا توازنی در قدرت و کنترل میان دو نیروی سودانی (ارتش و واکنش سریع) برقرار خواهد ساخت تا هنگام ازسرگیری مذاکرات جده، واکنش سریع با از تن بیرون آوردن جام شکست و ایستادن مطمئن بر قدرت و ثبات کنترل خود، دولتی بالفعل در دارفور برپا کرده باشد؛ یعنی شرایط مناسب برای تقسیم را فراهم آورد و آن را به امری واقع تبدیل کند که باید پذیرفته شود.

چهارم: بسیار دردناک است که آمریکا کافر استعمارگر بتواند جنگی را مدیریت کند که در سودان خون‌ها ریخته و مهره‌هایش را علناً نه پنهان، آشکارا برای اجرای آن بسیج نماید. البرهان و حمیدتی با خون مردم سودان می‌جنگند جز برای خدمت به منافع آمریکا که خواهان تکرار تقسیم سودان همچون جداسازی جنوب است و اکنون در جداسازی دارفور از باقی سودان تمام توان خود را به کار می‌گیرد؛ بنابراین ارتش توجه خود را به سایر مناطق سودان معطوف کرده و واکنش سریع تمرکز خود را بر دارفور قرار داده است و اگر مخلصان در ارتش با بازپس‌گیری کامل دارفور فعال شوند، واکنش سریع جنگ را به مناطق دیگر سودان منتقل خواهد کرد تا ارتش را سرگرم کند و یگان‌هایش از دارفور به سمت شرق سودان برگردند، جایی که واکنش سریع حملات خود را با پهپادها علیه آن متمرکز می‌کند و همه این اقدامات برای آن است که تسلط کامل بر دارفور برای واکنش سریع ممکن گردد.

در پایان، ما شما را همان گونه که در پاسخ قبلی خود به تاریخ ۲۰۲۳/۱۲/۱۹ فراخواندیم، به این موارد دعوت می‌کنیم:

ای اهل ما در سودان اسلام عظیم... سودان مسجد دنقلا، نخستین مسجدی که مسلمانان نخستین در سودان بنا کردند... سودان فتح بزرگ اسلامی در عهد خلیفه عثمان رضی الله عنه که والی مصر را فرمان داد نور اسلام را به سودان بیاورد، پس سربازان اسلام به فرماندهی عبدالله بن ابی السرح گسیل شدند و فتح در سال ۳۱ هـ رخ داد و بدین سان اسلام به شتاب و به فضل الله سبحانه و تعالی سراسر سودان را پر کرد، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب سپس در عهد خلفای مسلمان ادامه یافت...

ای اهل ما در سودان که علیه انگلیسی‌ها از سال ۱۸۹۶ تا اواسط جنگ جهانی اول ۱۹۱۶ جانفشانی کردید، زمانی که قهرمان پارسا و توانا «علی بن دینار» والی دارفور، آن عالم مجاهد که در اصلاح میقات مدینه و اهل شام «ذی الحلیفه» و ایجاد چاه‌ها برای سیراب کردن حاجیان که امروز به نام «آبیار علی» شناخته می‌شود، به شهادت رسید...

ای مردم سودان ما شما را دعوت می‌کنیم، پیش از آنکه پشیمان شوید، در کنار طرفین درگیر بایستید و آن‌ها را بر حق وادارید و حزب‌التحریر را برای برپایی خلافت راشد یاری کنید که در آن عزت اسلام و مسلمانان و ذلت کفر و کافران است و رضوان الله سبحانه و تعالی بزرگ‌تر است. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» «به‌راستی در این بیدارباش و اندرز بزرگی است برای آن کسی که دلی داشته باشد، یا با حضور قلب گوش فرا دارد».

برگرفته از شماره ۵۴۹ جریده الرایه